

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و به نستعین إنّه هو خیر موقّق و معین

ثمّ الصّلاة و السّلام علی أشرف الأنبیاء و المرسلین حبیب إله العالمین

أبی القاسم مصطفی محمّد صلّی الله علیه و آله الأطیبین

سیّما بقیّة الله فی الأرضین من الآن إلی قیام یوم الدّین

اليوم الخامس، ۹۴/۱/۲ ← من ابتداء "الفصل ۳. الضمير" (ص ۳۰۹) إلى ابتداء "تنبيه" (ص ۳۱۲)

سلام عليكم و رحمة الله.

از دوستانی که منظّم و طبق برنامه به مطالعات و تمرینات خود پرداخته اند، تشکّر می کنم. انصافاً بعضی عزیزان با پیگیری های خود، به من هم امید و انرژی می دهند. ان شاء الله با استقامت و ایستادگی تا پایان راه طلبگی، رشد روز افزون خواهند داشت و آن را وسیله اطاعت و خدمت قرار خواهند داد.

اللهم صلّ علی محمّد و آل محمّد

الفصل ۳. الضمير، ص ۳۰۹:

- سؤال ۱: در عبارت "الضمير ما وُضِعَ..."، مصداق "ما" را مشخص کنید.
- سؤال ۲: در عبارت "متّصلٌ يتّصلُ بكلمةٍ أُخرى"، چند نعت و منעות وجود دارد؟
- سؤال ۳: در عبارت "لِكُلِّ مِنْهُمَا أَرْبَعٌ عَشْرَةَ صِعَةً"، نقش تک تک کلمات را مشخص کنید. (راهنمایی: "أَرْبَعٌ عَشْرَةَ" مبنی است و اعراب محلی می گیرد و هر نقشی بپذیرد، حرکت حرف آخرش تغییر نمی کند).
- نکته ۱: در آیه شریفه ﴿إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ﴾ چند ضمیر وجود دارد؟ نام ببرید.
 - "نا" که اسم "إن" است.
 - "هم" که در "رادون" مستتر است. دقت شود که "رادوه"، جمع اسم فاعل مضاف بوده و لذا نون آن حذف شده است و واو آن علامت اعراب است و نه ضمیر. این که چرا ضمیر را "هم" گرفتیم و نه "نحن" را بعداً خواهیم دید.
 - هاء که مضافٌ إليه است.
 - کاف که مجرور به حرف جر است.

- نکته ۲: "سِتُّ لِلْغَائِبِ وَ سِتُّ لِلْمُخَاطَبِ وَ اثْنَتَانِ لِلْمُتَكَلِّمِ" یعنی "سِتُّ صَيغَةٌ لِلْغَائِبِ وَ سِتُّ صَيغَةٌ لِلْمُخَاطَبِ وَ صَيغَتَانِ اثْنَتَانِ لِلْمُتَكَلِّمِ" که در جمله اول، "سِتُّ" مبتدا و "لِلْغَائِبِ" خبر است و همین طور در جملات بعد.
- سؤال ۴: در عبارت "المُسْتَتِرُ عَلَى ضَرْبَيْنِ"، "ضَرْبٌ" به چه معنا است؟
- نکته ۳: این که کتاب، استتارِ برخی ضمائر مستتر را وجوبی و استتارِ برخی دیگر را جوازی می داند، درست به نظر نمی رسد. دلیل آن را در نکات مربوط به صفحه ۳۱۱ خواهید دید.

ص ۳۱۰:

- نکته ۴: نمودار انواع ضمیر به شکل زیر است:

○ منفصل

■ مرفوع: قسم شماره ۱ کتاب

■ منصوب: قسم شماره ۲ کتاب

○ متصل

■ منصوب: قسم شماره ۳ کتاب

■ مجرور: قسم شماره ۴ کتاب

■ مرفوع

● بارز: قسم شماره ۵ کتاب

● مُسْتَتِرٌ: قسم شماره ۶ و ۷ کتاب

- سؤال ۵: در عبارت "هي عينٌ ما مرَّ في القسم السابق" مرجع ضمیر "هي" و مصداق "ما" را مشخص کنید.
- سؤال ۶: در عبارت "عَدَا الْأُولَى وَ الرَّابِعَةَ"، چرا "الأولى" اعراب نگرفته و "الرابعة" منصوب گشته است؟

ص ۳۱۱:

- نکته ۵: بیان درست و دقیق در مورد استتار وجوبی و جوازی این است که:

○ فاعل یا نائب فاعل تمام افعال (ماضی یا مضارع یا امر)؛

■ در صیغه های مخاطب و متکلم (۷ به بعد)، واجب است ضمیر باشد.

● این ضمیر واجب، گاه واجب است بارز باشد؛ یعنی در صیغه های ۷ تا ۱۴

ماضی و صیغه های ۸ تا ۱۲ مضارع و امر.

● این ضمیر واجب، گاه واجب است مستتر باشد؛ یعنی در صیغه های ۷ و ۱۳

و ۱۴ مضارع و امر.

■ در صیغه های غائب (۱ تا ۶)، جایز است ضمیر باشد.

● این ضمیرِ جایز، گاه واجب است بارز باشد؛ یعنی در صیغه های ۲ و ۳ و ۵ و ۶ ماضی و مضارع و امر.

● این ضمیرِ جایز، گاه واجب است مستتر باشد؛ یعنی در صیغه های ۱ و ۴ ماضی و مضارع و امر.

○ فاعل یا نائب فاعلِ اسم فاعل و اسم مفعول و اشباه آن ها؛

■ در تمام صیغ شش گانه آن ها، جایز است ضمیر باشد.

● این ضمیرِ جایز، همیشه واجب است مستتر باشد.

بنابراین: این ضمیر بودنِ فاعل یا نائب فاعل یک صیغه خاصّ از یک فعل یا شبه فعل است که می تواند متّصف به وجوبی یا جوازی بودن گردد؛ اما اگر به هر نحوی - وجوبی یا جوازی - ضمیر بود، بارز بودن یا مستتر بودن آن، در هیچ جایی متّصف به جوازی بودن نمی گردد.

- نکته ۶: مراد از شبیه اسم فاعل و اسم مفعول در عبارت "شبهه‌ها"، صفت مشبّهه و اسم مبالغه و اسم تفضیل است که کتاب در صفحه ۲۳۱، تنبیه ۲ به آن ها اشاره کرده است.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته